نیـــــشدارو

از: ف ـ ر، راوی

توضیح ضروری: کلیه مطالب این صفحه بوسیله خبرنگار اعزامی "نیشدارو" به بورکینافاسو ارسال گردیده و یا از منابع خبری آن ولایت ترجمه شده است.
هرگونه شباهت احتمالی میـان "ماه من" با "ماه گردون" قبلا" تکذیب میشود.

واگذار میشود

یک قلم داروی حیاتی با نام تجارتی "نوشدارو"، اکبند، ساخت توران!! به دلیل عدم نیاز!! و رفع حاجت به متقاضیان مشرف به موت با ارز رفاقتی (دو سه تومان کمتر از ارز رقابتی) واگذار میشود.

ورثهٔ سهراب ولد رستم

عزت مالش!!

گفت: میـدونی از میان اینهمه دارو فقـط "مالیدنیها" ارتقاء بهاء یافتند.

گفتم: اینکه از قدیم رسم بود، و نوع خاصی از مالیدن بسیار ارج داشت.

گفت: آخه میگن مظنهٔ آلومینیم بالا رفته، و این دلیل امر بوده.

گفتم: چه ساده‌ای پسر، اگه این مطلب صحت داشت که اول باید آلومینیم هیدروکسایدگرون میشد.

دردهای بیدرمان

راوی میگفت چون در کشور بورکینافاسو گهگاه کمبودهای مقطعی، موضعی، مستمر، سیستمیک محدود و نامحدود بعضی اقلام داروئی بروز میکند و هرچند گاه یکبار داروهای یک بیماری نایاب، کمیاب، زریاب!! یـا ارزیاب!!! میگردد و بعبارتی ناگهان یک درد معمولی "بیدرمان" میگردد، وزارت حفظ الصحه ترتیبی داده است که هر هفته لیست اسامی دردهای بیدرمان به آگاهی شهروندان آن ولایت برسد تا بیماران محترم بتوانند درصورت نیاز به بیماریهائی که درمان قابل خصول تری دارند مبتلا گردند. راوی میگفت در هفته‌های اخیر تاکید شده که کسی گرد ابتلا به "بواســیر" نگردد!!

ریاضیات نوین

فیثاغورث یکدفعه در المپیاد ریاضی شرکت کرد . از او پرسیدند : اگر قیمت یک شیشه ۱۲۰ سی سی الگزیر دیفن‌هیدرامین ۶۵ ریال بوده باشد ، تعیین کنید قیمت یک شیشه ۶۰ سی سی آنرا ؟

راوی میگفت : از جواب فیثاغورث خبر نداریم اما در یک سنگ نبشته مربوط بآن روزگار با خط میخی چنین درج شده که فیثاغورث با جوابی که باین مسئله داد آبروی ریاضی دانهای روزگار را حسابی به باد داد ! !

جدول ضرب داروسازی

مریض داشت دادوبیداد میکرد که : دکتر گفته داروخانه نسخه رو اشتباهی پیچیده ، من توی نسخه آمپول B12 نوشتم ولی داروخانه آمپول B6 داده . باخونسردی ناشی از سی سال تجربه عملی زل زد توچشم مریض: دکتر بیخودکرده ، مگه خودت جدول ضرب نمیدونی ؟ خوب مرد حسابی ۲ تا B6 بهت دادم . یعنی دوشیش تا دوازده تا نمیشه ؟ !

تاریخچه مختصر داروسازی در بورکینافاسو

گزارش مستند . از راوی :

در بورکینافاسو دو گروه مختلف در امر دارو دخالت دارند : دواساز و دوابازها اجداد گروه اول بساز و بفروش! ! بودند یعنی فی الواقع نسخه طبیب را توی داروخانه میساختند و بعد میفروختند. آدمهای ایندسته به زعم خودشان کباده‌کش "علم" بودند . دسته دوم موقعی وارد کار شدند که خریدوفروش دارو ساده‌تر شده بود ، یعنی داروخانه‌ها تنها داروهای حاضر و آماده را عرضه میکردند .اینها باوجود اینکه درس "دواسازی" نخوانده بودند اما از "دوابازی" حسابی سر رشته داشتند . از اینرو بخودشون پراتیکی یابه‌زبان بورکینافاسوئی "عملی ! !" میگفتند .

دسته اول به علمش مینازید وکلفتی کتابهائی که خونده بود، اما دسته دوم به ثروتش مینازید و پینه‌های سابق دستش ! ! ایندودسته سالها توی سروکله هم زدندوبرای لحظه‌ای نتوانستند درویش‌واردرگلیمی بنام "داروخانه" بخسبند. تا اینکه در مغلوبه جنگ میان ایندوچشم مردم به جمال دسته سوم! ! ! روشن شد که نه علمی بودند و نه‌عملی .اینها فقط "پرتابل" بودند و بنظر جامعه‌شناسان نتیجه نفوذ فرهنگ پرتابل سازی ژاپن ! ! ! دسته سومی‌ها فقط یک کیف سامسونت داشتند که با فشار یک دکمه بدل به یک دراگاستورقابل حمل‌ونقل میشد . اینها واقعا " کیمیاگر بودند چرا که اغلب داروهائی را که حکم کیمیا داشت . یا داشتند و با "ارز" آزاد میفروختند ، و یا نداشتند اما با "عرض" معذرت و قبول بیعانه بهرحال آنرا تهیه میکردند . اینها دودی هم بودند باین معنی که با پس شدن هوا در حوالی دانشگاه ، پنداری دود ، به آسمان دودی میپیوستند .

چنانچه شاعر فرمود :

لحظه‌ای چند برآن چرخ کبود
نقطه‌ای بود و دگر هیچ نبود

ناظران معتقدند که برای جهان سوم همیشه راه‌حل‌های سوم کارسازتر است .

مگه کار از محکم‌کاری عیب میکنه؟

مستأصل و عاصی به من متوسل شد که براش آمپول ضد ارـ هاش (رگام) تهیه‌کنم. میگفت ۱۰ روزه دارم دنبالش میگردم . . . با حیرت نگاهش کردم و گفتم: مگه نمیدونی خاصیت این آمپول اینه که حداکثر تا ۷۲ ساعت بعد از زایمان تزریق بشه‌نه ۱۰ روز . . . سری تکون داد: بابا تو هم که مارو دست‌کم گرفتی عیال حقیر ۱۰ روز پیش تازه تست گراویند کسش (تست‌تشخیص بارداری) مثبت شده گفتم‌واسه محکم‌کاری یه خورده زودتر بگردم دنبال دوا شاید قبل از انقضاء تاریخی که گفتی پیدایش کنم !!!

استمداد از خواجه شیراز

درمطب یکی از دوستان پزشک که بدلیل خلف وعده‌های مستمر بیمه در پرداخت حق ویزیتها از پذیرش دفترچه بیمه و بیمار بیمه‌ای امتناع میکرد با خط خیلی خوش این تابلو نصب شده بود:

در دفتر طبیب "خرد" "عشق" بیمه نیست
ای دل بـه درد خـوکـن و نـام دوا مبـر

کَلِ طبیب

یک تابلو بلند بالا پشت ویترین داروخانه نصب شده بود باین مضمون

داروی قطعی ریزش مـو رسید

با دفترچه بسیج به هر نفر فقط یک شیشه‌تحویل میشود.

دردمندان صف کشیده بـودند و با دفترچه بسیج یکی‌یکی جلو میآمدند و از دکتر کچل وکاملا" طاس داروخانه نفری یک شیشه داروی قطعی ریزش مو خریداری مینمودند.

رشد موسیقی

میگفت یکـی از دوستان مشترک بدون اینکه سر رشته‌ای از موسیقی داشته باشه داره "تار" میزنه. پرسیدم مگه میشه؟

گفت چرا که نه. تو هم میتونی ۲۹ تومن بدی یک صابون "تار" بخری بری توی حموم و شروع کنی "تار" زدن !!!